



۲۰۱۵/۱۲/۲۷



هشت صبح

## آیا روسیه از گذشته درس نگرفته؟

یکشنبه ۶ جدی ۱۳۹۴ - فردوس

شهره است که اتحاد شوروی سابق در شش جدی سال ۱۳۵۸ هجری شمسی، به افغانستان لشکرکشی کرد. اما اسناد نشان می دهد که مسکو حد اقل یک سال پیش از این تاریخ، نیروهای خاص و هلیکوپتر های خود را در میدان های «بگرام» و «خواجه رواش» برای حفاظت از دولت حفیظ الله امین مستقر کرده بود.

پس از روی کار آمدن حزب دیموکراتیک خلق افغانستان در ثور سال ۱۳۵۷، امین و تره کی به صورت شتاب زده و خیلی صریح و با «خشم انقلابی» برنامه های اصلاحی خود را که برگرفته از ایدیولوژی لیننیزم بود، در معرض تطبیق قرار دادند. این دو سیاست سرکوب دیگر قدرت های سیاسی را هم در پیش گرفتند. اعدام های بدون محاکمه و دستگیری های خودسرانه چنان توسعه یافت که در مدت اندکی گورهای دسته جمعی شکل گرفت و خوف و هراس در سراسر کشور مستولی شد. این وضعیت سبب شد که در بسیاری از شهر ها و قریه ها قیام های مردمی خود جوش علیه حاکمیت خلقی شکل گیرد. مشهور ترین قیامی که در آن زمان صورت گرفت، قیام ۲۴ حوت سال ۱۳۵۷ هجری شمسی در شهر هرات بود که برای چند روز، دولت کنترل شهر هرات را از دست داد.

قیام ها محدود به شهرها و قریه نماند و به قطعات نظامی نیز کشید. ایدیولوژی حاکمیت و سیاست سرکوب و اختناق، کارد را به استخوان مردم رسانده بود و به همین دلیل قیام های مردمی صورت می گرفت. مخالفان بنیادگرای حاکمیت خلقی که در پاکستان مستقر بودند، منابع بیشتری از کشورهای غربی و عربی به دست آوردند و نفوذ شان را در سراسر کشور توسعه دادند. آنان در برخی از مناطق رهبری قیام هایی را که به صورت خود جوش شکل می گرفت به دست گرفتند و این قیام ها را در برخی از ولایات به شکل جنگ های چریکی ادامه دادند و به این ترتیب بخش هایی از کشور از سلطه قوای دولتی خارج شد و نظام تره کی - امین در آستانه فروپاشی قرار گرفت.

نظام تره کی - امین متوجه شد که بدون مداخله نظامی اتحاد شوروی نمی تواند دوام بیاورد. اسناد دولتی اتحاد شوروی نشان می دهد که حد اقل بیست بار امین و تره کی با فرستادن نامه های رسمی به کرملین خواستار کمک نظامی مسکو برای حفظ حاکمیت شان شده بودند. در این نامه ها در مورد دخالت های ایران و پاکستان در قیام های مردمی ضد حاکمیت تره کی - امین مبالغه شده است. گفت و گوی تره کی با صدراعظم وقت شوروی در مورد قیام ۲۴ حوت هرات هم حالا منتشر شده است. در این گفت و گو تره کی با التماس از صدراعظم شوروی خواستار کمک نظامی می شود.

مسکو همان زمان درک کرد که اگر اجازه دهد حاکمیت حزب دیموکراتیک خلق از هم بپاشد، بنیادگرایان مذهبی در افغانستان حاکم می شوند و به این ترتیب جنگ به سرحدات آسیای میانه و قلمرو اتحاد شوروی توسعه می یابد. مسکو

شماره ۱ از ۲ صفحه

ارسال مقالات:

[spineghar@gmail.com](mailto:spineghar@gmail.com) و یا [info@arianafghanistan.com](mailto:info@arianafghanistan.com)

می دانست که مجموع سازمان های بنیاد گرا در دنیای اسلام با نظام تره کی - امین اعلام جنگ کرده بودند. سازمان های که علاوه بر براندازی حاکمیت امین، باز پس گیری سمرقند و بخارا را نیز شعار می دادند.

مسکو برای حفظ حاکمیت حزب دیموکراتیک، خلق، قوای خاص و هلیکوپتر ها را به میدان های بگرام و خواجه رواش ارسال کرد. قوای خاص شوروی در تپه تاج بیگ محل استقرار حفیظ الله امین هم جا به جا شدند تا از کودتای احتمالی علیه او جلوگیری کنند. اما حاکمیت حزب دیموکراتیک خلق صرف از بیرون تهدید نمی شد. شکاف های درون حزبی، این حاکمیت را خرد و خمیر کرده بود. امین در شروع روی کار آمدن حزب دیموکراتیک خلق جناح پرچم را از دولت راند و صد روز پیش از روی کار آمدن ببرک کارمل، تره کی را نیز کشت.

امین ظاهراً به توصیه های شوروی برای تقویت پایه های دولت توجه نمی کرد. او حاضر نبود با پرچمی ها و دیگر چپی ها کنار بیاید و حکومت مشترک بسازد. امین به حاکمیت استالینستی باور داشت و نمی خواست با کسی کنار بیاید. مسکو بعداً شاید به این نتیجه رسید که با امین نمی تواند کار کند. به همین دلیل در شش جدی ۱۳۵۸ با سازمان دهی یک کودتای نظامی به زندگی او پایان داد و ببرک کارمل رهبر جناح پرچم در ائتلاف با خلقی های طرفدار تره کی، حکومت تشکیل دادند.

با روی کار آمدن ببرک کارمل، پای اتحاد شوروی در بحران افغانستان گیر ماند و ده سال در این سرزمین جنگید. اسناد نشان می دهد که فرماندهان اردوی شوروی پس از سال ۱۹۸۵ به مسکو گزارش دادند که جنگ به بن بست رسیده است و مخارج حفظ این بن بست هم بسیار سنگین است. بنیادگرایان از سراسر دنیای اسلام برای مبارزه با شوروی به پاکستان و افغانستان آمدند. از همان سال مسکو مشوره هایی را با کشورهای دیگر شروع کرد تا در صورت خروج از افغانستان امنیت آسیای میانه را حفظ کند و از شر بنیادگرایی در درون قلمروش راحت باشد.

اما این تلاش های مسکو نتیجه نداد. با خروج نظامی شوروی از افغانستان، جنگ به قلمرو آسیای میانه کشید و از آن جا به داغستان و چچن سرایت نمود. حتی امروز هم امنیت آسیای میانه از ناحیه حضور جنگجویان بنیادگرا که در افغانستان می جنگند، تهدید می شود.

روسیه حالا برای پاسخ گویی به تهدید خلافت تروریستی "داعش" در افغانستان، با طالبان تماس اطلاعاتی برقرار کرده است. نماینده خاص روسیه در امور افغانستان گفته است که در مبارزه با داعش مسکو با طالبان منافع مشترک دارد و به همین خاطر با این گروه تماس برقرار کرده است.

روسیه باید تاریخ را فراموش نکند و از گذشته درس بگیرد. مسکو پیش از خروج از افغانستان هم با بسیاری از تنظیم های افغانی و سازمان های بنیادگرای جهانی تماس برقرار کرد تا از آنان در مورد امنیت آسیای میانه پس از خروج قوای شوروی از افغانستان تضمین بگیرد. حکمتیار در کتاب خاطراتش نوشته است که دیپلمات های روسیه در اسلام آباد با او و رهبران دیگر تنظیم ها مذاکره کردند و از آنان در مورد امنیت سرحدات آسیای میانه تضمین گرفتند. اما دیده شد که پس از سقوط داکتر نجیب، جنگ حتی در آسیای میانه توقف نکرد و به قفقاز رسید.

این تجربه نشان می دهد که معامله با یک گروه افراطی برای مبارزه با گروه افراطی دیگر صلح و امنیت نمی آورد.

## آیا روسیه از گذشته درس نگرفته؟